

کامران اقبال (۱۳۲۴-۱۳۹۳ش/۱۹۴۶-۲۰۱۴م)

فریدون وهمن

استاد دانشگاه کپنهاگ



کامران اقبال، که مرگ زودهنگامی او را از میان ما برد، استاد و رئیس مرکز مطالعات خاورمیانه و خاور نزدیک در دانشگاه روهر (Ruhr) در شهر بوخوم آلمان بود.

او در ۲۸ اسفند ۱۳۲۴ش/۱۹ مارس ۱۹۴۶م و در خانواده‌ای از مشاهیر بهائیان لبنان در شهر بیروت متولد شد. اجدادش عموماً ایرانی بودند و در محیط عربی لبنان زبان و آداب ایرانی را پاس می‌داشتند و مخصوصاً مادرش، مکرّم‌الملوک سرابندی اقبال که از قاجاریه و از احفاد فتحعلی‌شاه بود، دقت داشت که زبان خانواده فارسی باشد.

فریدون وهمن استاد ممتاز دانشگاه کپنهاگ است و بیش از ۲۰ کتاب در زمینه دین زرتشتی، فولکلور ایران و لهجه‌های غربی ایران نوشته است. مقالات متعدد او در همین زمینه‌ها نیز در دانشنامه‌ها و نشریات پژوهشی به چاپ رسیده‌اند. آخرین اثر او یکصدوشصت سال مبارزه با آئین بهائی است که در آن، پیش‌زمینه‌های تاریخی و اجتماعی بهائی‌ستیزی در ایران و دستاورد روحانیت شیعه را در این مبارزه دامن‌دار بررسی کرده است. همچنین، سردبیری مجموعه "دین و اجتماع در ایران" را در نشر باران در سوئد بر عهده دارد.

Fereydun Vahman <fvhman@gmail.com>

کامران اقبال در ۱۳۴۲ش/۱۹۶۳م، در ۱۷ سالگی، بیروت را به عزم آلمان ترک گفت و در دانشگاه هامبورگ به تحصیل علوم اسلامی و تاریخ این دین پرداخت و در همانجا تدریس زبان عربی را که از کودکی با آن آشنا بود بر عهده گرفت. در ۱۳۵۵ش/۱۹۷۶م، رساله دکتری خود را در دانشگاه هامبورگ در زمینه جنگ دوم ایران و روس (۱۸۲۶-۱۸۲۸) گذراند و از ۱۳۵۷ش/۱۹۷۹م تا زمان مرگ، استاد و رئیس انستیتوی مطالعات خاورمیانه و نزدیک دانشگاه روهر بود.

دوران تحصیل دانشگاهی او مصادف با نهضت‌های دانشجویی و تظاهرات فراوان بر ضد جنگ‌های ویتنام و دفاع از حقوق مردم فلسطین بود و کامران اقبال، که در آن زمان نماینده کمیته دانشجویی و عضو پارلمان دانشگاه‌ها شده بود، در این نهضت‌ها فعالیت شدیدی داشت. این فعالیت‌ها نه از جنبه سیاسی و ضدیت با این و آن، بلکه از احساس قلبی او به لزوم اجرای عدالت و آزادی سرچشمه می‌گرفتند. چنین احساسی در همه عمر با او باقی ماند و در آثار او تجلی یافت.

پس از فعالیت‌های سندیکایی روزگار جوانی، به ریشه بهائی خود جذب شد و با نگاشتن مقالاتی که در مجلات بهائی و دیگر نشریات به چاپ رسید و با ایراد سخنرانی‌هایی در مجامع گوناگون، به کنکاش و تحقیق در منابع تاریخی و تعلیم اجتماعی این آئین پرداخت و کماکان به موضوعاتی پرداخت که عدالت، مساوات زن و مرد و محکوم ساختن استثمار و تجاوز به ملل محروم مایه اصلی آنها بود. کامران اقبال همسر و پدر محبوبی برای خانواده و استادی دلسوز و راهنمایی خردمند برای دانشجویان خود بود و سخنرانی‌هایش به فارسی یا انگلیسی و آلمانی از تعهد و پایبندی او به اعتقادات اخلاقی و اجتماعی‌اش حکایت داشت.

در سال ۱۳۸۵ش/۲۰۰۶م، بیماری سهمگین سرطان به سراغش آمد. کامران پس از پشت سر گذاشتن یک جراحی بزرگ و دوره‌ای شیمی‌درمانی، با قوت و انرژی تمام تدریس در دانشگاه و تحقیق و نگاشتن مقالات و ایراد سخنرانی‌ها را ادامه داد و حتی در زمانی که پزشکان ادامه معالجات را بی‌حاصل یافتند، پروژه بزرگی را بر عهده گرفت که مشتمل بر پژوهش در بیش از دویست لوح از بهاء‌الله و عبدالبهاء خطاب به پدر بزرگ او، محمدمصطفی بغدادی، با هدف چاپ آنها بود. آنچه او را در این دوره شدید بیماری چندساله سر پا نگاه داشت و به او نیرو و نشاط می‌داد همسر وفادارش، بانو هدی بغدادی اقبال، و سه پسرش باسل، رامز و سیروس بودند که پروانه‌وار گرد پدر می‌گشتند و محیط را برای ادامه کارهای علمی او مساعدتر می‌ساختند. وفاتش روز ۱۴ مهرماه ۱۳۹۳ش/۶ اکتبر ۲۰۱۴م رخ داد. یادش گرمی باد.